

تاریخچه‌ی مستشاران آمریکایی در ایران^(۱)

به قلم سید کاظم اتحاد

مستر شوستر با چه وسایلی از کاربر کنارشد؟

اولتیماتوم روس

ژاندارم‌های خزانه به دستور خزانه دار کل برای اجرای حکم دولت مبنی بر توقیف اموال شعاع السلطنه پارک او را محاصره کردند، روس‌ها که برای اخراج «شوستر» دنبال بهانه می‌گشتند عده‌ای قزاق را مأمور کردند که ژاندارم‌ها را خارج کنند، شوستر نیز عده زیادتری ژاندارم به آن جا فرستاد و روس‌ها مجدداً... هم سالدات نیروی جدید به ایران وارد کرده و از دولت ایران خواستار شدند که رسماً عذر خواهی کند. در مذاکراتی که در تاریخ ۲۴ شوال ۱۳۲۹ بین «نه راتوف» معاون وزارت خارجه روسیه با «اوبرین» شارژ دافر سفارت انگلیس در پترزبورگ به عمل آمد «نه راتوف» صریحاً اعلام نمود که: «اقدامات جدی مورگان شوستر در ایران مخالف منافع روسیه می‌باشد، این مرد می‌خواهد نظارت در تمام ایران داشته باشد و نظارت خود را طوری استعمال نماید که به ضرر روسیه تمام شود!

انگلیس‌ها به واسطه‌ی وضعیت بحران آمیز آن وقت اروپا یک قدم دیگر عقب نشینی کردند و طریق حل موضوع را به روس‌ها نشان دادند! در ۲۴ ذیقعد ۱۳۲۹ «سیر ادواردگری» در تلگرافی که به مستر بوکانان سفیر کبیر خود در پتروگراد نموده می‌نویسد: «اگر دولت روس تصور می‌کند اختلافات با دولت ایران به هیچ طریقی جز اخراج مستر شوستر میسر نیست من مخالفتی نخواهم داشت! میل دارم به وزارت خارجه روسیه حالی کنید که من از شوستر طرفداری نخواهم کرد!

در ۸ ذیقعدہ یعنی ۱۶ روز قبل از مخابره تلگراف فوق تلگراف دیگری به بطرزبورک کرده و در آن اشعار داشته بود.

«استقلال ایران نباید باعث ضدیت آن دولت به انگلیس و روس بشود و در موضع مناسبی ما این مسأله را به شوستر حالی خواهیم کرد!

از اسناد و وثایق فوق مسلم می‌شود که دولتین روس و انگلیس هنوز شش ماه بیشتر از ورود مورگان شوستر به ایران نگذشته بود که زمینه‌ی اخراج او را فراهم می‌کردند. انتظار آنها برای پیدا کردن بهانه زیاد طول نکشید.

روز چهارم اکتبر ۱۹۱۱ دهم شوال ۱۳۲۹ از طرف دولت مرحوم صمصام السلطنه حکمی به خزانه دار کل. مستر شوستر صادر گردید که باید املاک و اموال شعاع السلطنه و سالارالدوله را توقیف و ضبط نموده و عایدات آن را جزو خزانه داری در آورد.

روز دوشنبه ۹ اکتبر (پانزدهم شوال ۱۳۲۹) خزانه دار کل شش دسته‌ی هفت نفری که هر یک از آنها مرکب از یک نفر محاسب و یک افسر و پنج نفر ژاندارم خزانه بودند مأمور نمود تمام املاک برادران محمد علی شاه را در شهر و حومه توقیف و تصرف نمایند. به مجردی که قونسول روس «پاختانوف» از تصمیم شوستر مطلع شد به فزاق‌های ایرانی که قراول پارک شعاع السلطنه بودند دستور داد که از ورود مامورین خزانه‌داری جلوگیری کنند! و بعد از ژاندارم خزانه داری به مسالمت پارک را متصرف گردید عده فزاق مأمور شدند آنها را خارج نمایند!

شوستر بدون این که از این حادثه اندیشه‌ای به خود راه دهد عده زیادتری را از ژاندارم‌ری خزانه مأمور کرد دو مرتبه آن جا را تصرف کردند. ضمناً یادداشتی به «مسیو پاکلیوسکی» وزیر مختار روس نوشته و تلفنی نیز به زرگنده نموده و به وزیر مختار روس اطلاع داد که از طرف دولت ماموریتی داشته و آن را نیز اجرا خواهد کرد در اثر این پیش آمد روس‌ها ۴۰۰۰ سالدات نیروی جدیدی به ایران وارد کرده و از دولت ایران خواستار شدند رسماً عذر خواهی کند او بعد از این که این عذر خواهی انجام شد در ۷ ذیحجه ۱۳۲۹ (۲۹ نوامبر ۱۹۱۱) یک اولتیماتوم ۴۸ ساعته به دولت ایران داده و

تقاضای ذیل را نمودند: ۱- اخراج مستر شوستر ۲- تعهد دولت ایران به این که بدون تصویب دولتی روس، انگلیس حق استخدام مستشار خارجی را نداشته باشد! ۳- پرداخت خسارت وارد کردن نیرو به ایران این اولتیماتوم در روز اول دسامبر ۱۹۱۱ (۹ ذیحجه ۱۳۲۹) که آخرین موعد اولتیماتوم بود از طرف کابینه صمصام السلطنه به مجلس تقدیم و از مجلس اختیار می‌خواست مواد اولتیماتوم را قول نماید روز مذکور در تاریخ حیات سیاسی ایران بسیار مهم و باید مختصری به جریان آن روز اشاره کرد. روز ۹ ذیحجه ۱۳۲۹ در ساعت دو نیم قبل از ظهر مجلس شورای ملی تشکیل گردید. لژها و محل تماشاچیان پر بود. این وضعیت نشان می‌داد که امروز واقعه بسیار مهمی باید اتفاق افتاده باشد زیرا مردم تهران از کشمکش قزاق روس به دستور پاختاتوف قونسول روسیه در تهران که با ژاندارمری خزانه چند روز بود در پارک شعاع السلطنه داشتند مطلع بودند. خبرهایی از نزدیک شدن قشون روس به تهران می‌رسید این قشون که در قزوین همیشه آماده تهدید مرکز بود به وسیله‌ی دادن مانور می‌خواستند آزادیخواهان را مرعوب کنند.

دو روز بود در محافل ملیون شایع شده بود که روس‌ها اولتیماتومی داده‌اند ولی کسی از مواد آن مطلع نبود. در این محافل اعلام می‌شد که روس‌ها اولتیماتومی داده‌اند ولی کسی از مواد آن مطلع نبود. افراد کابینه‌ی صمصام السلطنه تماماً در مجلس حضور پیدا کرده بودند رئیس مجلس رسمیت جلسه را اعلان کرد. وزیر خارجه وقت آقای وثوق الدوله پشت تریبون رفت مفاد یادداشت سفارت روس و مواد اولتیماتوم را به طریقی که فوق ذکر گردید قرائت و از مجلس اجازه خواست دولت برای قبول آن مواد با سفارتین وارد مذاکره شود سکوت بهت آمیزی تالار مذاکرات مجلس شورای ملی را فراگرفت. نفس‌ها به زحمت کشیده می‌شد: تا ببینند نمایندگان ملت چه اقدامی می‌کنند؟ اکنون تقدیر و طالع شومی حیات و استقلال ملت ایران را تهدید کرده بود منتها با از خود گذشتگی و کلاو نمایندگان این طالع معکوس می‌گردید.

در این وقت مرحوم شیخ محمد خیابانی نماینده تبریز از میان وکلا قد علم کرد و

فریاد برآورد اگر چنین مقدر شده است که مملکت ما استقلال خود را از دست به بدهد چرا ما به میل و رای خود با آن موافقت کنیم آقایان نمایندگان با تمام قوا و به اتفاق یکدیگر بر ضد این اولتیماتوم که سند رقت و بندگی ما است مخالفت و آن را رد کنید. این صدای ملت زنده‌ای بود که آثار قدرت و مقاومت خود را با حوادث بزرگ در ادوار مختلف اثبات کرده بود. این صدا صدای دانون ایران بود که ملت را به مقاومت در مقابل زورگویی تشویق می‌کرد. در این وقت یک یک از وکلا از جای خود قیام کرده و رای خود را در مورد مواد اولتیماتوم علناً اظهار داشتند و بالنتیجه پیشنهاد دولت با اولتیماتوم به اتفاق آراء رد گردید!



ولی کابینه‌ی مجلس را منفصل و مواد اولتیماتوم را قبول نموده و در ۲۵ دسامبر ۱۹۱۱ مراسله‌ی ذیل را به مستر شوستر نوشت:

جناب مستر شوستر معزز محترم

چنان چه جنابعالی مسبق و مطلع می‌باشید کمیسیونی که در شب ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ با اختیارات تام از طرف مجلس انتخاب شده تا در تصفیه و اصلاح مواد اولتیماتوم روس اقدام نماید چنین معتقد است که یکی از مواد اولتیماتوم در خصوص مراجعت و انفصال جناب عالی است وسیله‌ی این مراسله به جناب عالی اطلاع داده می‌شود که دفاتر و شغل خزانه داری را به کسی که بعدها دولت معرفی می‌کند تحویل دهید.

بنابراین مورگان شوستر که در ظرف هشت ماه بزرگترین آثاری را از خدمات خود به مملکت ایران در قلوب عموم وطن پرستان و آزادی خواهان به جا گذاشت پس از این که مشاغل خود را به مستر گرنز (یکی از آمریکایی‌ها) واگذار نموده و او را به بانک‌ها و دولت معرفی کرد روز پنجشنبه ۱۱ ژانویه ۱۹۱۲ (بیستم محرم ۱۳۳۰) از طریق انزلی و بادکوبه ایران را ترک کرد.

باید تذکر داد که مجلس شورای ملی چنین کمیسیونی را انتخاب نکرده و هیچ‌گاه مواد اولتیماتوم را قبول ننموده بود، و مراسله به شوستر را فقط هفت نفر از وزراء امضاء کردند که مرحوم صمصام السلطنه و آقای وثوق الدوله از جمله امضاکنندگان آن بودند. انفصال شوستر از شغل خزانه داری در محیط ملّیون تهران صدای ساعقه را داشت، محافل ملی این اقدام را ضربتی با استقلال ایران و حیثیت خود تلقی کرده بودند. زیرا آزادمندی و سوابق پرافتخار تاریخی ملت ایران اجازه نمی‌داد میهمانی که از ماوراءبحار برای خدمت با ایران آمده است به این شکل توهین‌آمیز از ایران خارج شود. دکاکین بسته شد! مردم از پیر و جوان مسلح شده و در خیابان‌های تهران با فریادهای یا مرگ یا استقلال شروع به تظاهر نمودند و حتی بعضی از بانوان در بروز این احساسات شرکت کرده بودند.

روح ملی طغیان کرده و بدون این که از قدرت و عظمت دولتیان بترسد آماده

فداکاری شده بود ولی رجال محافظه کار آن وقت به نام مصلحت مملکت با این تظاهرات مخالفت نمود و دسته جات را باقوای نظامی متفرق ساخت شوستر رفت و به دنبال او آرزوی اصلاح طلبان ملی به هدر رفت!!

بعد از این که شوستر از ایران خارج گردید دولت در نظر گرفت شخص دیگری را از مستشاران خارجه جانشین او سازد و چون دولتین روس و انگلیس مایل نبودند امور مالی ایران که سرمنشاء اصلاحات دیگری است منظم شود با استخدام مستشار از آمریکا موافقت نداشتند بالنتیجه کوشش کردند به جای مورگان شوستر یکی از اروپاییان را که فعلاً در ایران توقف دارند به پست خزانه داری معین کنند تا به اتکای قانون ۲۳ جوزا کلیه امور مالی و اقتصادی این مملکت در اختیار آنها در آید.

برای این کار بهتر از «مسیو مورنارد» بلژیکی رئیس کل گمرکات پیدا نمی شد! مورنارد بلژیکی امتحان اطاعت و خدمتگذاری خود را نسبت به تمایلات سفارتین روس و انگلیس داده و مانند سلف بلژیکی خود (مسیو نوژ) برای پر کردن جیب خود را ملزم به اطاعت از سفارتین می دانست. این آلت بلا اراده روس و انگلیس که چندین دفعه در راه پیشرفت مقاصد اصلاح طلبانه مورگان شوستر به دستور سفارت روس تولید اشکالاتی نموده بود میدان را برای اشغال این پست پر منفعت خالی می دید و برای به دست آوردن یک چنین اختیاراتی شروع به تثبیت نمود بالاخره موفق گردید موافقت کابینه های لندن و پترزبورگ را در تعیین او بدین سمت به دست بیاورد!

باید یادآوری کرد که از میسیون مورگان شوستر کسی که در ایران باقی ماند کلنل موریل آمریکایی بود که به سمت مستشار ژاندارمری ایران مشغول شد و در حقیقت نوکر مطیع سفارت انگلیس بود. مراسلاتی که مشارالیه به مامورین سیاسی انگلیس نوشته و در کتاب «کشف تلبیس» به طبع رسیده است اثبات می کند که این آمریکایی برخلاف همکاران شریف خود که بعد از مورگان شوستر پست های خود را ترک و از ایران رفتند در ایران باقی ماند تا بدست انگلیس ها فعالیت مستشاران سوئدی ژاندارمری را فلج کرده و خود ریاست پلیس جنوب را به دست بیاورد؟»

سفیر انگلیس همیشه از مورنارد اظهار رضایت می کرد و می گفت به ملاحظه این که

مورنارد در کارهای خود همیشه اتحاد کامل با این سفارتخانه دارد لذا نظر به اوضاع امروز ایران مشارالیه مناسبترین شخص است برای پست خزانه داری! آزادی خواهان آن وقت کوشش می‌کردند که از تعیین مورنارد به سمت خزانه داری جداً جلوگیری کنند ولی در کابینه وقت که زعمای دموکرات و سایر احزاب وطن پرست را تبعید نمود مساعی فوق به جایی نرسید و مورنارد به سمت خزانه دار کل ایران با همان حقوق و اختیارات از طرف کابینه وقت پذیرفته و معین گردید!

مورنارد به طوری که انتظار می‌رفت نیامده بود مالیه را اصلاح کند بلکه آمده بود خزانه مملکت را خالی و دولت را مجبور به استقراض نماید تا در مقابل وجوه آن قرضه‌ها را بابت مطالبات دولتین بابت قشون کشی خود به ایران و حقوق محمد علی میرزا و برادران و اتباع آنها که بر ضد رژیم جدید آنی از کارشکنی فروگذار نمی‌کردند بپردازد و مملکت را به افلاس و بدبختی سوق دهد!

غریب این جا است که مورنارد با این که به سمت خزانه داری با حقوق گزافی معین شده بود دست از ریاست کل گمرکات برنداشته و حقوق این پست را هم دریافت می‌داشت!!

این شخص که همه روزه برای فلج کردن دستگاه ژاندارمری آن وقت تولید اشکالاتی کرده و برای ندادن حقوق آنها عذر می‌تراشید در ظرف دو سالی که خزانه دار بود خزانه مملکت را تهی و مفلس ساخت و بنایی را که میسیون مورگان شوستر برای سعادت این مملت پی ریزی کرده بود خراب و متلاشی کرد و باید تاریخ ایران این شخص و سلف او میسیون نوژ را که سبب بدبختی ایران شدند همیشه به ننگ و نفرت یاد نماید!

جنگ عمومی ۱۹۱۴ مجالی به ایران داد قدری نفس راحت بکشد، قشون روس ناگزیر می‌شدند ایران را تخلیه کنند. برای انگلیس رقیب جدیدی در میدان نظامی پیدا شد. قشون عثمانی از شمال غرب وارد ایران شدند. دولت ایران فرصت بدست آورده بود مورنارد را از کار خارج نماید.

دوره سوم تقنینیه اولین کاری که کرد قانون ۲۳ جوزا را در تاریخ ۲۶ حوت مطابق

پنجم ربیع الثانی ۱۳۳۳ قمری لغو نمود و برای این که مالیه مملکت دچار هرج و مرج بیشتری نگردد نسخ و الغای قانون ۲۳ جوزا را تصویب نمود.

(مورنارد) در ظرف مدت سه سال خزانه داری خود نه پولی به جای گذاشته بود تا دولت بتواند احتیاجات خود را رفع نماید. نه تشکیلاتی داده بود که بتواند اوضاع مالیه را نگهداری کند نه اشخاصی را از ایرانی‌ها تربیت کرده بود تا بتوانند اساسی برای جمع و خرج مملکت بریزند! مجلس و دولت کوشش می‌کردند قانونی برای تشکیلات مالیه وضع کنند و تربیتی بدهند که دخل و خرج مملکت صورت منظمی به خود بگیرد قوانینی نیز برای ترتیب طبع اسکناس به تاریخ ۷ ثور مطابق ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۳۳ قمری و منع خروج طلا و نقره مصوب ۳۳ جمادی الثانی همان سال و تشکیلات وزارت مالیه مصوب ۱۵ جوزا مطابق ۲۱ رجب ۱۳۳۳ قمری وضع و تصویب نمود.

نیز در پروگرامی که کابینه مرحوم مستوفی الممالک در تاریخ ۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ تقدیم مجلس نموده بود مواد از قبیل تعدیل بودجه، تهیه لوایحی برای تکثیر عایدات لایحه استقراض داخلی - لایحه قانون ممیزی نیز وجود داشت ولی تمام این لوایح و قوانین و مواد پروگرام و تمام کوشش‌های مجلس سوم و دولت‌های آن در مقابل لهیب جنگ عمومی که روز به روز دامنه و شعله آن در ایران رو به ازدیاد می‌رفت نقش بر آب شد! زیرا جنگ در شمال و جنوب و غرب ایران طوری امور اقتصادی مملکت را از هم پاشید که تجارت قطع و مالیات دولت از ایالات و ولایات لاوصول و عشایر به تحریک دول وارد در جنگ شده سرتاسر مملکت را به هرج و مرج و کشت و کشتار کشانیدند و دولت‌ها اقل احتیاجات ضروری خود را از طریق استقراض‌های کوچک و بی‌فایده از بانک شاهی و بانک استقراضی تامین می‌نمودند. این وضع با اشکالات بزرگ و زورگویی‌های دولتین انگلیس و مخصوصاً روسیه دست به گریبان بود تا این که در تاریخ ۷ محرم ۱۳۳۴ در اثر تهدید قشون روس به اشغال مرکز مجلس اضطراراً منحل و وکلای دوره‌ی سوم برای مبارزه با این حق‌کشی‌های روز افزون به طرف قم و بروجرود حرکت و مهاجرت نمودند.